**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه372 – 30/ 09/ 1399 صحیحه دوم زراره** **/اخبار /ادله /استصحاب**

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسۀ گذشته به این بحث پرداختیم که اگر فقرۀ اول صحیحۀ ثانیۀ زراره ناظر به جایی دانستیم که شخص مصلی بعد ا انکشاف نجاست می داند این نجاست همان نجاست است که سابقا احتمالش را می داده و در نتیجه یقین دارد نمازش را بدون طهارت خوانده است، چگونه می توان تمسک امام علیه السلام به استصحاب را تصحیح کرد.

# مطالب مفروغ عنه در کلمات علماء در زمینۀ اعادۀ نماز با نجاست

1. به تناسب بحث از کیفیت تمسک به استصحاب در فقرۀ اول این روایت، آقایان مطلبی را مفروغ عنه گرفتند به این که اگر نماز با استصحاب خوانده شود و بعد از نماز کشف خلاف شود این نماز صحیح است؛ گفتیم این بحث یک بحث فقهی بوده و نیاز به بررسی دارد که بنا نداریم به شکل تفصیلی به آن بحث ورود کنیم ولی روایتی در این زمینه وجود دارد که در مورد آن صحبت می کنیم.
2. در جمع بندی روایات آقایان می فرمایند این مقدارش مسلم است که کسی که غفلت از نجاست دارد و مدتی با لباس نجس نماز خوانده، نمازش صحیح است.

الحسين بن محمد عن عبد الله بن عامر عن علي بن مهزيار عن صفوان عن العيص بن القاسم قال: سألت أبا عبد الله ع عن رجل صلى‏ في‏ ثوب‏ رجل‏ أياما ثم إن صاحب الثوب أخبره أنه لا يصلى فيه قال لا يعيد شيئا من صلاته.[[1]](#footnote-1)

الحسين بن محمد عن عبد الله بن عامر عن علي بن مهزيار عن فضالة عن أبان عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله قال: سألت أبا عبد الله ع عن الرجل يصلي و في ثوبه عذرة من إنسان‏ أو سنور أو كلب‏ أ يعيد صلاته فقال إن كان لم يعلم فلا يعيد.[[2]](#footnote-2)

شبیه این روایت از محمد بن سنان نیز نقل شده است.[[3]](#footnote-3)

قدر مسلم از تعبیر «لم یعلم» جایی است که غافل بوده و اصلا ملتفت به احتمال نجاست نبوده است.

1. مطلب بعد این است که قدر مسلم از روایت محمد بن مسلم این است که اگر شخصی شک کند و تحقیق کند و به نجاست نرسد نمازش صحیح است.

و بهذا الإسناد عن الحسين بن سعيد عن حماد عن حريز عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله ع قال: ذكر المني فشدده و جعله‏ أشد من‏ البول‏ ثم قال إن رأيت المني قبل أو بعد ما تدخل في الصلاة فعليك إعادة الصلاة-و إن أنت نظرت في ثوبك فلم تصبه ثم صليت فيه ثم رأيته بعد فلا إعادة عليك و كذلك البول.[[4]](#footnote-4)

مفاد روایت اینست که اگر شخصی بررسی کرده و نجاست را ندیده و بعد از اتمام نماز نجاست را دیده نمازش اعاده ندارد.

### حکم به وجوب یا عدم وجوب اعاده در صورت عدم فحص از نجاست

ولی آیا اگر فحص نکرده باشد و بدون وارسی وارد نماز شده باشد و بعد از نماز فهمیده نمازش با نجاست بوده نمازش صحیح است یا نه در روایت منصور یا میمون الصیقل صریحاً حکم به اعاده کرده است .

محمد بن يحيى عن الحسن بن علي بن عبد الله عن عبد الله بن جبلة عن سيف عن منصور(میمون) الصيقل عن أبي عبد الله ع قال: قلت له رجل أصابته جنابة بالليل فاغتسل فلما أصبح نظر فإذا في ثوبه جنابة فقال الحمد لله‏ الذي‏ لم‏ يدع‏ شيئا إلا و له حد إن كان حين قام نظر فلم ير شيئا فلا إعادة عليه و إن كان حين قام لم ينظر فعليه الإعادة.[[5]](#footnote-5)

این روایت به دو سند وارده شده است و در هر دو صریحاً شرط شده که عدم اعاده مشروط به وارسی کردن است.

مشکل سندی موجود در این روایت، میمون یا منصورصیقل است چون هر کدام باشد توثیقش مشکل است اگر چه به احتمال اقوی میمون درست است .

در فقیه نیز روایت مرسلی به این مضمون وارد شده است که احتمالا ناظر به همین روایت منصور یا میمون الصیقل است:

و قد روي‏ في‏ المني‏ أنه إذا كان الرجل جنبا حيث قام و نظر و طلب فلم يجد شيئا فلا شي‏ء عليه فإن كان لم ينظر و لم يطلب فعليه أن يغسله و يعيد صلاته‏[[6]](#footnote-6).[[7]](#footnote-7)

این روایت مرسل است و ما مرسلات مرحوم صدوق را حجت نمی دانیم و در این زمینه فرقی بین تعبیر «قد رُوِی»(مبنیاً للمفعول) و غیر آن نمی دانیم اگر چه برخی آقایان تعبیر قد روی را هم حجت ندانستند.[[8]](#footnote-8)

لذا روایت اصلی، روایت محمد بن مسلم است.

در مقابل این روایات مرحوم حاج آقا رضا همدانی و مرحوم خوئی با استناد به صحیحۀ ثانیۀ زراره قائل به عدم اعاده در فرض عدم وارسی شده اند.

بیان ایشان عبارت از این است که تعبیر:

فهل علي إن شككت في أنه أصابه شي‏ء أن أنظر فيه قال لا و لكنك إنما تريد أن‏ تذهب‏ الشك‏ الذي وقع في نفسك‏[[9]](#footnote-9)

دال بر این است که تنها فائدۀ فحص و نظر اذهاب الشک است و نه چیز دیگری مانند عدم وجود اعاده بر فرض انکشاف لذا با تمسک به اطلاق مقامی می توان گفت اگر فحص و نظر فائدۀ دیگری غیر از اذهاب الشک داشت بیان می شد.

این مطلب را ضمیمه کنم که این روایت اصلا در مقام بیان همین جهت است که در چه مواردی نماز اعاده می شود لذا در مقام بیان همین جهت است و ظهوری که ادعا شده صحیح به نظر می رسد.

البته فحص کردن ممکن است فوائد دیگری داشته باشد مثل این که اگر فحص کنیم و نجاست را پیدا کنیم باعث می شود این نجاست را برطرف کرده و به جاهای دیگری سرایت نکند تا دردسر ایجاد کند مثل این که اگر این نجاست به دست سرایت کند معلوم می شود وضو از اول باطل بوده ولی ظاهراً امثال این فوائد مد نظر امام علیه السلام نبوده و روایت ناظر به این جهات نیست.

مرحوم حاج آقا رضا می فرماید کسی که سوق روایت (محمد بن مسلم)[[10]](#footnote-10) را ببیند می فهمد این روایت در مقام بیان شرطیت نظر برای عدم اعاده نیست چون افراد متعارفاً نظر می کنند[[11]](#footnote-11) بلکه آن چه در مقام بیانش است این است که اگر نجاست را در اثنای نماز دید باید نماز را اعاده کند ولی اگر آن را بعد از نماز دید اعاده لازم نیست و اقای خوئی هم شبیه همین بیان را دارند که در تقریراتشان ذکر شده است. که به نظر میرسد این مطلب درست است.

## تقطیع روایت محمد بن مسلم

در کافی روایتی هست که از عبارت فقیه به دست می آید روایت کافی با روایت ما نحن فیه هر دو یک روایت است . در کافی این گونه وارد شده:

علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد عن حريز عن محمد بن مسلم قال: قلت له الدم يكون في الثوب علي و أنا في الصلاة قال إن رأيت و عليك‏ ثوب‏ غيره‏ فاطرحه‏ و صل و إن لم يكن عليك غيره فامض في صلاتك و لا إعادة عليك ما لم يزد على مقدار الدرهم و ما كان أقل من ذلك فليس بشي‏ء رأيته قبل أو لم تره و إذا كنت قد رأيته و هو أكثر من مقدار الدرهم فضيعت غسله و صليت فيه صلاة كثيرة فأعد ما صليت فيه‏[[12]](#footnote-12)

این روایت در جامع الاحادیث باب 28 از ابواب نجاسات ج2 ص178 روایت اول باب است .

در این روایت بین جایی که قبل از نماز علم به نجاست داشته باشد یا نداشته باشد تفصیل قائل شده و در ادامه روایت را از فقیه نقل کرده و می گوید همین روایت کافی در فقیه است ولی در آن این اضافه را دارد:

و ليس‏ ذلك‏ بمنزلة المني‏ و البول ثم ذكر ع المني فشدد فيه و جعله أشد من البول‏[[13]](#footnote-13) ثم قال ع إن رأيت المني قبل أو بعد فعليك الإعادة إعادة الصلاة و إن أنت نظرت في ثوبك فلم تصبه و صليت فيه فلا إعادة عليك و كذا البول‏[[14]](#footnote-14).[[15]](#footnote-15)

تعبیر تهذیب این است :

إن رأيت المني قبل‏ أو بعد ما تدخل‏ في الصلاة فعليك إعادة الصلاة[[16]](#footnote-16)

ولی در فقیه تعبیر «تدخل فی الصلاه» را ندارد.

### تکیه گاه اصلی روایت محمد بن مسلم

آن چیزی که تکیه اصلی روایت است این است که اگر وسط نماز متوجه نجاست شد حکمش چیست که این روایت بین دم و بین بول و منی تفصیل قائل شده است به این که بول و منی مبطل است ولی دم مبطل نیست؛ در ادامه حضرت می فرماید:

 إن أنت نظرت في ثوبك فلم تصبه و صليت فيه فلا إعادة عليك

که گویا یک مطلب فرعی است و تکیه گاه روایت این بخش از آن نیست علت ذکر «ان انت نظرت ...» اشتراط صحت نماز به نظر و فحص نیست بلکه چون بطور متعارف انسان نگاه می کند به این مطلب اشاره شده است بلکه تکیۀ اصلی اش روی این است که بین انکشاف نجاست در اثنای نماز و بین انشکاف آن بعد از نماز فرق بگذارد.[[17]](#footnote-17)

البته حاج اقای والد در اینجا وارسی را شرط عدم اعاده دانسته اند و ممکن است بر خلاف فرمایش اقایان و در تایید فرمایش حاج اقا بگوئیم که اصل این روایت با توجه به سئوال محمد بن مسلم این است که اگر در وسط نماز متوجه نجاست شده، حکمش چیست اما اگر بعد از نماز متوجه شده را خود امام علیه السلام ضمیمه کرده است و در جایی خود امام به مطلبی ورود کرده و آن را بیان کرده است وجهی ندارد قیدی را که هیچ دخالتی در حکم ندارد ذکر کند پس قید «ان انت نظرت» در عدم اعاده دخیل بوده و با عدم فحص و نظر دیگر نمی توان حکم به صحت کرد.

اما مشکل این جاست که در مقابل این ظهور ، صحیحۀ ثانیۀ زراره نیز به بیان مرحوم آقا رضا همدانی و مرحوم خوئی ظاهر در عدم دخالت فحص در عدم اعاده دارد و عمده این است که ببینیم کدامیک از این دو ظهور اقوای از دیگریست؛ به نظر می رسد حکم کردن به یک طرف خاص مشکل بوده و مسأله نیاز به تأمل بیشتری دارد.

و اما در روایاتی که از تعبیر «لم یعلم» در آن استفاده شده است نیز حاج آقای والد می فرماید ظهوری در بیش از حالت غفلت نداشته و معلوم نیست شامل صورت شک بشود.[[18]](#footnote-18)

لذا این مساله نیاز به تامل بیشتری دارد.

### بیانات مختلف حل اشکال فقرۀ اول و نقد بیانات مذکور

نکته اول این است که آقایان روایت را این طور معنا کردند که معلوم است نجاست منکشفه همان نجاستی است که سابقا محتمل بوده لذا میداند نمازش با نجاست بوده و این سئوال مطرح می شود که تمسک به استصحاب چه مصححی دارد.

دو بیان برای توجیه تمسک به استصحاب مطرح شده که یک بیان مبتی بر اجزای حکم ظاهری از حکم واقعی ااست و بیان دوم این است که شرط صحت نماز، احراز الطهارت است نه نفس طهارت و با استصحاب این احراز صورت می گیرد.

با این دو بیان محصل روایت این می شود که شما در نماز استصحاب داشتی و آن استصحاب یا به جهت اجزاء یا بجهت احراز شرط کفایت می کند.

البته اجزاء دو حالت دارد که به فرمایش مرحوم خوئی یک حالتش به توسعه شرط به اعم از طهارت واقعیه و ظاهریه می انجامد و به بیان اول باز می گردد و حالت دیگر همانست که از شهید صدر نقل شد به این که وجه اجزاء می تواند این باشد که در ظرف جریان استصحاب ملاک نماز دیگر قابل استیفاء نیست.

مرحوم حاج آقا مرتضی حائری بیان سومی دارند و آن عبارتست از این که بگوئیم آن چه مصحح نماز است اینست که در ظرف جریان استصحاب، طهارت شرط نباشد یعنی اگر کسی با عذر وارد نماز شده و در واقع شرط صحت را همراه نداشت در واقع از شرطیت طهارت رفع ید شده است.[[19]](#footnote-19)

بنابراین در مجموع سه بیان شد:

1. شرط صحت نماز احراز الطهارت است .
2. ملاک نماز در ظرف جریان اصتصحاب دیگر قابل استفاء نیست.
3. در ظرف جریان استصحاب طهارت، طهارت واقعیه دیگر اصلا ملاک ندارد نه این که ملاک دارد ولی قابل استفاء نیست لذا اشکالی دیروز به شهید صدر بیان کردیم دیگر مطرح نمی شود چون آن اشکال در جایی بود که استصحاب مفوت ملاک باشد و در نتیجه مکلف حق نداشته باشد خود را تحت موضوع حکم ظاهری قرار دهد تا تفویت ملاک شود و حال آن که از روایات استفاده می شود فحص کردن واجب نیست و شخص می تواند با خود را تحت موضوع حکم ظاهری قرار دهد زیرا در اینجا اساساً تفویتی در کار نیست بلکه ملاک دیگر برطرف میشود نه این که تفویت می شود.

در توضیح این که اقایان می گویند طهارت شرط ذکری است می توان گفت طهارت در ظرف غفلت اصلا شرط نیست یا نجاست مانع نیست .

اشکال اصلی این است که اینها مطالب واضحی نیست تا متکلم بتواند با سکوت به وضوح آن اعتماد کند لذا درروایات مکرر از همین جهت سئوال شده است که نماز چنین شخصی صحیح است یا نه و همین کاشف از عدم وضوح مطلب در نزد روات است که احراز الطهارت شرط باشد.

همینطور بحث اجزاء نیز چندان واضح نمی باشد.

#### انواع اجزاء

البته حاج اقای والد توضیحی دارند که اجزاء دو صورت دارد :

1. اجزاء بصورت یک قاعدۀ کلی در ابواب مختلف فقه.
2. اجزاء مسألۀ فقهی خاص.

هر دو نوع اجزاء از مسائل دقیق بوده و در نزد عموم مردم واضح نیست و همین مطلب قرینه است بر این که مراد زراره از «رأیت فیه» کلی نجاست باشد به نحوی که معلوم نیست همان فرد از نجاست که سابقاً محتمل بوده، باشد.

#### اشکالات مطرح شده در مورد راه حلها

نکتۀ دوم این است که در این جا چند اشکال مطرح است که باید دنبال شود:

اشکال اول مطلبی است که مرحوم آخوند مطرح کردند به این که استصحاب طهارت در جایی درست است که اثر برای طهارت محرزه باشد نه برای احراز الطهارت در حالی که مرحوم آخوند قایل شدند به شرطیت احراز الطهارت بنابراین استصحاب خود طهارت بی فایده است.

مرحوم آخوند به این اشکال پاسخ می دهند که در آینده باید بدان بپردازیم.

اشکال دوم اشکالی است که مرحوم روحانی در منتقی الاصول مطرح کرده اند به این که استصحاب موضوعیت ندارد و مثلا با قاعدۀ طهارت نیز می توان مطلب را تمام کرد پس چرا حضرت به استصحاب تمسک فرموده است.[[20]](#footnote-20)

در کلام مرحوم نائینی و اقای خوئی و اقای صدر و بحثهای زیادی وارد شده است که طهارت شرط است یا نجاست مانع است که ما واردش نمی شویم.

1. الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏3 ؛ ص404 [↑](#footnote-ref-1)
2. الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏3 ؛ ص406 [↑](#footnote-ref-2)
3. الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏3 ؛ ص404 [↑](#footnote-ref-3)
4. تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ؛ ج‏1 ؛ ص252 [↑](#footnote-ref-4)
5. الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏3 ؛ ص406 [↑](#footnote-ref-5)
6. ( 5). ظاهره أنه إذا حصل عند الإنسان أمارة الجنابة من رؤيا أو غيره فان تفحص و لم ير شيئا من المنى في ثوبه و بدنه ثم بعد الصلاة يراه لم يكن عليه شي‏ء، و ان لم يتفحص فرآه بعد الصلاة اعادها للتقصير في التفحص( مراد) و الخبر مروي في الكافي ج 3 ص 405 و في التهذيب ج 1 ص 120. [↑](#footnote-ref-6)
7. من لا يحضره الفقيه ؛ ج‏1 ؛ ص72 [↑](#footnote-ref-7)
8. مقرر: پویا مراد استاد کسانی است که بین مرسلات جزمی و غیر جزمی تفصیل می دهند که در اینجا چون به صیغه مجهول است غیر جزمی بوده و علی ای حال لا حجت است. [↑](#footnote-ref-8)
9. تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ؛ ج‏1 ؛ ص422 [↑](#footnote-ref-9)
10. اضافۀ مقرر [↑](#footnote-ref-10)
11. مقرر: ظاهرا مقصود استاد این است که در روایت محمد بن مسلم اگر چه عدم اعاده مشروط شده به نظر و فحص و لکن تعبیر ان انت نظرت می تواند در مقام بیان شرط صحت نباشد بلکه از این جهت که متعارفاً فحص و نظر انجام می شود ذکر شده است. [↑](#footnote-ref-11)
12. الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏3 ؛ ص59 [↑](#footnote-ref-12)
13. ( 6). حيث لا يعفى عن قليلهما. [↑](#footnote-ref-13)
14. ( 7). مروى صدره في الكافي ج 3 ص 59 مضمرا و ذيله في التهذيب ج 1 ص 72 عن أبي عبد الله عليه السلام. [↑](#footnote-ref-14)
15. من لا يحضره الفقيه ؛ ج‏1 ؛ ص249 [↑](#footnote-ref-15)
16. تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ؛ ج‏1 ؛ ص252 [↑](#footnote-ref-16)
17. عبارت مقرر: ظاهرا استاد ار ین بحض در مقام تقریب و تبیین کلام مرحوم همدانی و مرحوم خوئی است. [↑](#footnote-ref-17)
18. مقرر:مقصود این است که تعبیر «لم یعلم» در این روایات اطلاقی نسبت به حالت شک ندارد تا بتوانیم بگوئیم حکم به عدم اعاده ای که در این روایات بیان شده شامل حالت شک هم می شود و اطلاقش اقتضا می کند این شک چه با فحص همراه باشد چه نباشد صحت نماز را به دنبال دارد. [↑](#footnote-ref-18)
19. مبانى الأحكام في أصول شرائع الإسلام، ج‏3، ص: 17 [↑](#footnote-ref-19)
20. منتقى الأصول، ج‏6، ص: 104 (آدرس قطعی برایاین نقل قول یافت نشد) [↑](#footnote-ref-20)